

روش شناسی کلامی علامه مجلسی

رسول علیزمانی^۱

چکیده

محمد باقر بن محمد تقی - مشهور به علامه مجلسی - فقیه، محدث و از متکلمان بزرگ مدرسه اصفهان در قرن یازدهم هجری بود که در علوم گوناگون عقلی و نقلی صاحب نظر و دارای آثار است. علم کلام از جمله علوم است که علامه مجلسی در آن تخصص داشته و متناسب با نیازهای عصر خود به تحقیق و تألیف در مسائل آن پرداخته است و آثار متعددی در این دانش پدید آورده و به جامعه عصر خود عرضه کرده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که علامه مجلسی در زمره متکلمانی است که رویکرد عقلی - نقلی دارد. ایشان به تناسب مسائل، به علوم دیگری چون منطق، فلسفه، معرفت شناسی، قرآن و حدیث، تاریخ، تفسیر و اصول فقه توجه داشته و در مباحث کلامی خود، مورد استفاده قرار داده است. از دیگر ویژگی‌های بارز در روش کلامی علامه مجلسی، نقل نظرات و دیدگاه‌های سایر فرقه‌های کلامی - بخصوص اشاعره و معتزله - و همچنین نقل دیدگاه صاحب نظران از فلاسفه، متکلمان، مفسران و مورخان است.

واژه‌های کلیدی: علامه مجلسی، روش شناسی، روش کلامی، روش عقلی - نقلی، روش تلفیقی.

۱. دانش آموخته سطح چهار، مرکز تخصصی علم کلام، مؤسسه آموزش عالی امام صادق علیه السلام، رایانامه: rasul110alizmani@gmail.com

۱. شخصیت علمی و آثار

۱-۱. شخصیت علمی

محمد باقر بن محمد تقی بن مقصود عاملی اصل، معروف به علامه مجلسی و مجلسی دوم، از مشاهیر علمای امامیه و از محدثان بزرگ شیعه می‌باشد. وی در سال ۱۰۳۷ ق در اصفهان متولد، و در شب ۲۷ ماه رمضان ۱۱۱۰ ق در اصفهان وفات یافت (ر.ک: امین، ۱۴۰۳، ۹: ۱۸۲). علامه مجلسی در حوزه علمیه اصفهان و نجف اشرف کسب فیض نمود. وی بیشترین بهره علمی را از پدرش، مولی محمد تقی مجلسی برده است. دیگر اساتید وی در معقول و منقول عبارتند از: حسن علی تستری، محمد محسن معروف به فیض کاشانی، سید رفیع الدین محمد نائینی، سید محمد قاسم طباطبائی قهبائی، محمد شریف رویدشتی، سید محمد مؤمن استرآبادی، محمد محسن استرآبادی، سید محمد موسوی مشهور به سید میرزا، سید شرف الدین علی شولستانی نجفی، عبد الله عاملی و حسین خوانساری (ر.ک: آزاد کشمیری، ۱۳۸۷، ۱۸۰: ۱-۱۸۱؛ قمی، ۱۳۶۸، ۳: ۱۵۱؛ امین، ۱۴۰۳، ۹: ۱۸۴؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ۱۲: ۳۵۱).

علامه مجلسی از ناحیه جمع زیادی از عالمان، اجازه نقل روایت داشته است که از جمله ایشان عبارتند از: شیخ عبد الله بن جابر عاملی، سید شرف الدین علی حسینی شولستانی، ملا محمد شریف رویدشتی، سید میرزا علی جزایری، شیخ حر عاملی و همچنین والدشان مولی محمد تقی مجلسی (ر.ک: آزاد کشمیری، ۱۳۸۷، ۱: ۱۸۰). وی از علوم و فنون مختلفی بهره برده و عهده دار تدریس آن‌ها شده است. ایشان نسبت به تدریس بعضی از آن علوم؛ مانند حدیث، عنایت و افری داشت، به گونه‌ای که برخی او را به جهت این اهتمام و عنایت، از علمای اخباری برشمردند؛ حق آن است که گفته شود وی، طریقه‌ای میانه بین اصولی و اخباری را پیموده است چرا که ایشان در استنباط احکام فقهی، از علم اصول و مبانی آن بهره گرفته است. اما در عین حال بیشترین سرمایه گذاری او، در علم حدیث است، چرا که بهترین راه وصول به حق را احادیث اهل بیت علیهم‌السلام می‌دید (ر.ک: آزاد کشمیری، ۱۳۸۷، ۱: ۱۷۸-۱۷۹؛ افندی، ۱۴۳۱، ۵: ۳۹؛ سبحانی، ۱۴۱۸، ۱۲: ۳۵۱-۳۵۲).

علامه مجلسی در نشر عقاید و فرهنگ شیعه اهتمام ویژه داشت؛ در همین راستا علاوه بر تألیف و تدریس، در جایگاه امامت جمعه، و جماعت و نیز منصب شیخ

الاسلامی - در حکومت صفویان - خدمت می‌کرد که خود حاکی از موقعیت اجتماعی بالای وی است (ر.ک: آزاد کشمیری، ۱۳۸۷، ۱: ۱۷۸-۱۷۹؛ سبحانی تبریزی، همان).

علمای تراجم، در معرفی شخصیت علمی و معنوی علامه مجلسی تعبیر بلندی دارند؛ میرزا عبد الله افندی صاحب «ریاض العلماء» که خود از علامه مجلسی کسب فیض کرده بود، در توصیف استاد خود چنین می‌نویسد: «عالم، فاضل ماهر، محقق، مدقق، دارای علم وسیع، فهم عمیق، فقیه، متکلم، محدث ثقه، جامع نیکی‌ها و برترهای اخلاقی، دارنده منزلت و شأن بالا» (افندی، ۱۴۳۱، ۵: ۳۹). محمد بن علی اردبیلی حائری، دیگر شاگرد علامه، استاد خود را به خاتم‌المجتهدین، دارای علم فراوان و تألیف‌های پسندیده توصیف کرده و خاطر نشان شده است که عظمت و بلندی مرتبه و جایگاه، تبخر در علوم - عقلی و نقلی - و دقت نظر علامه مجلسی، مشهورتر از آن است که قابل ذکر باشد (ر.ک: آزاد کشمیری، ۱۳۸۷، ۱: ۲۳۶؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ۱۲: ۳۵۲).

علامه مجلسی از اکابر علما و محدثین، و از ثقات فقهاء و مجتهدینی است که در ترویج مذهب، عملکرد بسیار موفق داشته است به طوری که در طول تاریخ اسلام، هیچکدام از عالمان اسلامی موفقیت وی را کسب نکرده‌اند (م. امین ۱۴۰۳، ۹: ۱۸۲).

ایشان در فهم حدیث و علوم مرتبط با آن و احیاء حدیث و همچنین در آگاهی بر شبّهات، یگانه روزگار خود بوده است. در ورع، تقوا، دین‌داری و تزکیه نفس، برترین روزگار خود در عجم و بلکه عرب بود. ایشان در صدور فتوا، کمال احتیاط را داشته و در انجام واجبات و مستحبات نهایت کوشش را داشت (ر.ک: خوانساری، ۱۳۹۰، ۲: ۱۱۸).

بالغ بر هزار نفر از طلاب و جویندگان دانش، از محضر علامه مجلسی کسب فیض کرده و بسیاری از آنها موفق به کسب اجازه از ایشان شدند. از جمله شاگردان او عبارتند از: ۱. سید نعمت الله جزائری؛ ۲. سلیمان بن عبد الله ماحوزی بحرانی؛ ۳. محمد بن حسن معروف به فاضل هندی؛ ۴. جعفر بن عبد الله کمره‌ای اصفهانی؛ ۵. زین العابدین بن شیخ حرّ عاملی؛ ۶. محمد باقر بیابانکی؛ ۷. شیخ عبد الرزاق گیلانی؛ ۸. عبد الرضا کاشانی؛ ۹. میرزا عبد الله افندی اصفهانی مؤلف ریاض العلماء؛ ۱۰. ملا سیما، محمد بن اسماعیل فسایی شیرازی؛ ۱۱. سید علی خان مدنی مؤلف ریاض السالکین (شرح صحیفه سجاده‌یه علیه السلام)؛ ۱۲. شیخ حرّ عاملی (ر.ک: امین ۱۴۰۳، ۹: ۱۸۳؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ۱۲: ۳۵۲).

۲-۱. آثار علمی

در کتاب‌های تراجم و کتاب‌شناسی، آثار متعددی از علامه مجلسی در علوم مختلف به ثبت رسیده است؛ آثار علمی ایشان را در دو بخش کلامی و غیر کلامی معرفی می‌کنیم:

۱-۲-۱. آثار غیر کلامی

علامه مجلسی آثار غیر کلامی گوناگونی در موضوعات مختلف دارد که شامل مباحث؛ تفسیر و علوم قرآن، حدیث و سیره اهل بیت علیهم‌السلام، فقه و عبادات، ادعیه و مزارات، فلک و نجوم، تاریخ انبیاء و اهل بیت علیهم‌السلام و همچنین رجال است. در ادامه به معرفی این آثار می‌پردازیم:

تفسیر آیه **﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾** (واقعه: ۱۰)، تفسیر آیه «نور» (نور: ۳۵)، (ر.ک: آزاد کشمیری ۱۳۸۷، ۱: ۱۸۳؛ حکیم ۱۴۲۷، ۴: ۳۶۶)، «ملاذ الأخیار فی شرح تهذیب الأخبار» (شرحی بر کتاب تهذیب شیخ طوسی)، کتاب «عین الحیات» در مواعظ حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ابوذری، شرح عهدنامه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک اشتر، کتاب «فرائد الطریفة» (شرح صحیفه سجادیه تا دعای چهارم)، «جوابات المسائل المتفرقة» (در مسایل گوناگون کتب اربعه و غیر آن) (افندی ۱۴۳۱، ۵: ۳۹؛ حر عاملی، ۱۴۱۰، ۲۴۹؛ حکیم، ۱۴۲۷، ۴: ۳۶۸-۳۷۵؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۳: ۳۷۳؛ امین، ۱۴۰۳، ۹: ۱۸۳)؛ «زاد المعاد فی أعمال السنة» (درباره فضیلت ایام و ماه‌های سال، فضیلت زیارت رسول اکرم و ائمه علیهم‌السلام و مختصری در احکام اموات، خمس و زکات، اعتکاف و کفارات است) (افندی ۱۴۳۱، ۵: ۳۹؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۲: ۱۱)؛ «مشکاة الانوار» (در خواص و فضائل سوره‌های قرآن کریم و ادعیه)؛ کتاب «تحفة الزائرین» (در فضیلت زیارت هر یک از ائمه علیهم‌السلام و کیفیت زیارت ایشان) (ر.ک: افندی، ۱۴۳۱، ۵: ۳۹؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲۱: ۵۴)، «زاد المسیر» (در موضوع مناجات با خداوند تعالی)، «شرحی بر دعای جوشن کبیر» (ر.ک: حکیم، ۱۴۲۷، ۴: ۳۷۴؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۳: ۲۴۷)، «مقباس المصابیح» (ادعیه و ادعیه وارد در تعقیبات نماز و غیر آنها) (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۱۰، ۲۴۹؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲۲: ۱۷)، «ربیع الأسابیح» (به زبان فارسی، در موضوع اعمال هفته) (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۰: ۷۵)؛ رساله‌ای در موضوع «شوق زیارت نجف اشرف و کربلای معلی» (ر.ک: آزاد کشمیری، ۱۳۸۷، ۱: ۱۸۴)، رساله «مفاتیح الغیب» (در ذکر انواع استخاره‌های مأثوره) (ر.ک: امین، ۱۴۰۳، ۹: ۱۸۴).

آثار فقهی متعددی از علامه مجلسی به ثبت رسیده است که عبارتند از: رساله‌های فقهی؛ مانند «آداب نماز»، «آداب نماز شب»، «آداب تیر اندازی»، «آداب حج»، «مناسک حج»، رساله‌ای در «احکام اموات از احتضار تا دفن» به زبان فارسی؛ رساله «صواعق الیهود» (مشمتمل بر کیفیت جزیه گرفتن از یهودیان) می‌باشد. «الآذانیة»، یا رساله «الآذان» در احکام و آداب اذان، «الأسئلة الخلیفیه»، مشتمل بر سؤالات مولی خلیل بن غازی قزوینی (م ۱۰۸۹ هـ)، «الأسئلة الهندیة»، یا «المسائل الهندیة» مشتمل بر سؤالات فقهی است که برادر علامه، مولی عبد الله از هند برای وی فرستاده و ایشان پاسخ داده‌اند. «جوابات بعض المتدینین من أهل کاشان»؛ درباره مسائل فقهی از طهارت تا دیات، «جوابات بعض فضلاء خراسان»، رساله «الجزیة و أحكامها»، در احکام جزیه، رساله‌ای درباره نماز جمعه و وجوب عینی آن در زمان غیبت، رساله نکاح، رساله‌ای در عقد محرمیت، رساله‌ای درباره «سهو و شک در نماز» که شامل یک مقدمه، پنج فصل و یک خاتمه است. رساله دیگری به زبان عربی و با عنوان «شکوک الصلاة» نیز از ایشان به ثبت رسیده است، رساله «حدود و دیات»، رساله‌ای در گرفتن مال ناصبی‌ها، رساله زکات، رساله‌ای در احکام آب کر، رساله کفارات، «میزان المقادیر و الأوزان» رساله‌ای در تعیین اندازه صاع، رساله رضاعیه که مختصر و به زبان فارسی در باب احکام رضاع است (ر.ک: آزاد کشمیری، ۱۳۸۷، ۱: ۱۸۲-۱۸۴؛ امین، ۱۴۰۳، ۹: ۱۸۳-۱۸۴).

کتاب «صراط النجاة» در موضوع سلوک که به درخواست بعضی از مومنان درباره تبیین راه نجات نگاشته است (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۵: ۳۸). کتاب «حلیة المتقین» به زبان فارسی و در موضوع اخلاق، آداب و سنن اسلامی است (ر.ک: افندی، ۱۴۳۱، ۵: ۳۹؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۵: ۳۸).

کتاب «حیة القلوب»، در موضوع تاریخ انبیا علیهم‌السلام، و تاریخ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، و احوال ائمه علیهم‌السلام و خلفا است (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۷: ۱۲۲-۱۲۳)، «جلاء العیون» درباره تاریخ زندگانی و مصائب معصومان علیهم‌السلام است (ر.ک: آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۵: ۱۲۴).

علامه مجلسی آثاری در ارتباط با مسائل علم نجوم نیز دارد که عبارتند از: «اختیارات الایام» و «اختیارات الایام و الساعات الکبیر» (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱: ۳۶۷)، این رساله‌ها در موضوع سعد و نحس ساعات، ایام، ماه‌ها و بر اساس احادیث اهل بیت علیهم‌السلام است. «حساب الالهة» (ر.ک: آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۷: ۸)، رسائل

«استعلام نیمه شب»، «اوقات ظهر و عصر و نوافل آن دو» (ر.ک: همان، ۱۵: ۱۶۴؛ ج ۲: ۴۷۹)، از دیگر رساله‌های وی در علم نجوم است.

کتاب «الوجیز من أسماء الرجال» یا «الوجیزة فی الرجال»، معروف به «الوجیزة» از آثار رجالی علامه مجلسی است که به اختصار و رمزگذاری به بررسی احوال راویان حدیث پرداخته است (ر.ک: افندی، ۱۴۳۱، ۵: ۳۹؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲۵: ۴۷).

علامه مجلسی در راستای نشر فرهنگ و معارف اسلامی در بین عموم افراد جامعه- به ویژه افرادی که با زبان عربی آشنایی کافی نداشتند- به ترجمه برخی از ادعیه و معارف دینی پرداخته است؛ این آثار ترجمه‌ای عبارتند از: ترجمه زیارت جامعه، دعای کمیل، دعای روز مباحله، دعای سمات، دعای جوشن صغیر، روایت عبد الله بن جندب، روایت رجاء بن ابی ضحاک در اعمال و آداب منقول از حضرت امام رضا علیه السلام، قصیده دعل خزاعی در مدح حضرت امام رضا علیه السلام (ر.ک: امین، ۱۴۰۳، ۹: ۱۸۴)، «فرحة الغری» نوشته سید بن طاووس (۶۹۳ق)، مشتمل بر معجزات و امور غریبه صادره از مرقد نورانی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، توحید مفضل که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۴: ۱۲۱؛ همان، ۴: ۹۱؛ آزاد کشمیری، ۱۳۸۷، ۱۸۴).

۲-۱. آثار کلامی

۱-۲-۲-۱. اعتقادات، رساله‌ای در موضوع عقاید که علامه مجلسی آن را در مشهد مقدس و در یک شب به رشته تحریر در آورده است (ر.ک: افندی، ۱۴۳۱، ۵: ۳۹؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲: ۲۲۴)، این رساله با عناوینی چون «مناهج الحق»، «عقاید» و «اصول عقاید» نیز شناخته می‌شود (ر.ک: سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴، ۴: ۳۵۶).

۱-۲-۲-۲. کتاب «حق الیقین»، آخرین تصنیف از تصانیف علامه مجلسی است که به زبان فارسی و در ۶ باب و ۱ خاتمه سامان یافته است. در این کتاب مباحث مربوط به امامت با تفصیل بیشتری بیان شده است (ر.ک: آزاد کشمیری ۱۳۸۷، ۱: ۱۸۴؛ امین ۱۴۰۳، ۹: ۱۸۳).

۱-۲-۲-۳. «منهج السالکین فی أصول الدین»، که محمد مؤمن تبریزی آن را با عنوان «هدایة المهتدین» ترجمه کرده است (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲۳: ۱۸۸-۱۸۹).

۱-۲-۲-۴. «شرح خطبه توحیدی امام رضا علیه السلام»، به زبان فارسی (ر.ک: افندی، ۱۴۳۱، ۵: ۴۰؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۳: ۲۲۰).

علم کلامی
 سال سی‌ام، شماره صد و بیست و چهار

- ۵-۲-۱. «سؤال و جواب درباره امامت» که با دلایل عقلی و نقلی به سوالاتی درباره امامت پاسخ داده شده است (ر.ک: سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴، ۴: ۳۵۷).
- ۶-۲-۱. «علائم الظهور»، رساله‌ای به زبان فارسی و در بیان دو حدیث از احادیث علائم ظهور و تطبیق آنها به سلطنت پادشاهان صفوی (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۵: ۳۰۸).
- ۷-۲-۱. «اثبات الجن و وجوده»، در موضوع اثبات وجود جن (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱: ۸۸).
- ۸-۲-۱. «الأربعون حدیثاً فی الإمامة»، این اثر مشتمل بر چهل حدیث درباره امامت و با شرح فارسی است (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱: ۴۱۱؛ حکیم ۱۴۲۷، ۴: ۳۷۱).
- ۹-۲-۱. «الجنة و النار» یا «شرح حدیث الوعد و الوعيد» رساله‌ای به زبان فارسی و در شرح دو حدیث؛ درباره وعده و وعید است (ر.ک: امین، ۱۴۰۳، ۹: ۱۸۴؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۳: ۲۰۹).
- ۱۰-۲-۱. رساله دیگری به همان نام از علامه مجلسی به یادگار مانده است که داری یک مقدمه و دو فصل؛ فصل اول در بیان اوصاف بهشت و فصل دوم در بیان اوصاف جهنم است (ر.ک: همان).
- ۱۱-۲-۱. «صراط النجاة» رساله‌ای در ترجمه فارسی حدیث اعرابی است. این رساله در پاسخ به سؤال شخص اعرابی درباره معنای «واحد» و پاسخ امیرالمؤمنین علیه السلام است که شامل مباحثی درباره توحید، صفات ثبوتی و سلبی، همچنین مسأله قضا و قدر، جبر و اختیار و مسأله توبه است (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۵: ۳۸).
- ۱۲-۲-۱. «حکمت شهادت سید الشهداء»، اثری در موضوع واقعه کربلا و فلسفه آن (ر.ک: رفاعی، ۱۳۷۱، ۷: ۲۱۱)، که اخیراً توسط دو تن از محققان، تحقیق و تصحیح و از سوی انتشارات مسجد مقدس جمکران، منتشر شده است.
- ۱۳-۲-۱. رساله‌ای در تحقیق مسأله بداء به زبان فارسی (ر.ک: آزاد کشمیری، ۱۳۸۷، ۱: ۱۸۳؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۳: ۵۴). این رساله به تحقیق سید مهدی رجائی در مجموعه «رسائل اعتقادی علامه مجلسی» توسط انتشارات آستان قدس رضوی منتشر شده است.
- ۱۴-۲-۱. «رساله جبر و تفویض»، در این رساله، علامه مجلسی پس از بیان دیدگاه اشاعره و معتزله، با عنایت به روایات اهل بیت علیهم السلام به تبیین دیدگاه امامیه پرداخته است (ر.ک: آزاد کشمیری، ۱۳۸۷، ۱: ۱۸۳؛ امین، ۱۴۰۳، ۹: ۱۸۴).

۱۵-۲-۱. رساله‌ای در رجعت به زبان فارسی که از آن تعبیر به رساله «اثبات رجعت» نیز شده است (ر.ک: افندی، ۱۴۳۱، ۵: ۳۹؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱: ۹۰). این رساله شامل ۱۴ حدیث ترجمه شده، درباره وقایع آخرالزمان، علائم ظهور، چگونگی ولادت امام دوازدهم علیه السلام و وقایع بعد از ظهور، رجعت پیامبر و ائمه علیهم السلام، رجعت تمام انبیا و اوصیا و خوبان و بدان، وظیفه مردم در زمان غیبت و... است (ر.ک: مجلسی، ۱۳۶۸، ۴۹-۱۲۶).

۱۶-۲-۱. رساله «فرق میان صفات ذاتی و صفات فعلی باری تعالی» که در برخی از منابع، به جای صفات فعلی، صفات عقلی ثبت شده است (ر.ک: آزاد کشمیری، ۱۳۸۷، ۱۸۳؛ امین، ۱۴۰۳، ۹: ۱۸۴).

۱۷-۲-۱. رساله‌ای در حدیث «سته اشیاء»، مشتمل بر ذکر امور شش‌گانه‌ای است که بندگان در صنع آن‌ها نقش فاعلی ندارند. این امور عبارتند از: معرفت و جهل، رضا و غضب، خواب و بیداری (ر.ک: امین، ۱۴۰۳، ۹: ۱۸۴؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۴: ۹۶).

۳-۲-۱. آثار غیر کلامی مشتمل بر مباحث کلامی

علامه مجلسی، در آثار مهم حدیثی، مباحث کلامی با اهمیت و ارزشمندی را بیان کرده است. این آثار عبارتند از:

۱-۳-۱. کتاب «بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار» (ر.ک: افندی، ۱۴۳۱، ۵: ۳۹؛ امین، ۱۴۰۳، ۹: ۱۸۳). کتاب «بحار الانوار» بزرگترین موسوعه حدیثی شیعه محسوب می‌شود و شامل مباحث اعتقادی، فقهی، تفسیری، اخلاقی، تاریخی و... در ۲۵ جلد بزرگ است که امروزه در ۱۱۰ جلد منتشر می‌شود. فهرست کلی مباحث این کتاب عبارتند از:

عقل و علم و جهل، توحید و عدل و معاد، احتجاجات خداوند تبارک و تعالی، احتجاجات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام، نبوت، تاریخ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امامت، فتنه‌ها و امتحان‌ها، تاریخ اهل بیت علیهم السلام، آسمان و جهان، ایمان و کفر، آداب معاشرت، طهارت، صلاة، قرآن، ذکر و دعا، زکات و صدقه، صوم و حج و جهاد، کتاب مزار، عقود و ایقاعات.

۲-۳-۱. «مرآة العقول فی شرح أقوال الرسول» که «أخبار الرسول» هم نامگذاری شده است (ر.ک: افندی، ۱۴۳۱، ۵: ۳۹؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲۰: ۲۷۹-۲۸۰). این کتاب در شرح کتاب «الکافی» مرحوم کلینی است. کتاب کافی دارای سه بخش اصول، فروع و روضه است. این کتاب، شرحی بر روایات هر سه بخش

«کافی» است که در ذیل هر روایت، پس از بررسی میزان اعتبار سند، محتوای آن را شرح داده شده است. علامه مجلسی در ضمن شرح روایات «کتاب التوحید و کتاب الحجة»، دیدگاه‌های کلامی و اعتقادی خود را منعکس کرده است.

۳-۲-۱. «چهل حدیث» مشتمل بر احادیثی در اصول، فروع، خطبه‌ها، مواظ همراه با شرح آنها (ر.ک: افندی، ۱۴۳۱، ۵: ۵۰؛ امین، ۱۴۰۳، ۹: ۱۸۳). از آنجا که ایشان در این کتاب به شرح روایاتی در ارتباط با اصول دین پرداخته است از منظر کلامی و اعتقادی حائز اهمیت است.

۲. روش تألیفی و تدوینی علامه مجلسی

آثار کلامی علامه مجلسی به آثار متنی، شرحی و ترجمه‌ای تقسیم می‌گردد. دغدغه وی، حفظ آثار و نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام بوده است؛ از همین رو عمده تألیفات ایشان، بر محور ضبط، تبیین احادیث و در مواردی ترجمه آنها با هدف دسترسی عموم مردم به معارف دین شکل گرفته است. وی نسبت به عقاید امامیه اهتمام ویژه‌ای داشت از این رو در عین پاسخ به سوالات و شبهات عصر خود، به تبیین عقاید با رویکرد عقلی و نقلی پرداخته است.

«خطبه توحیدی امام رضا علیه‌السلام» از آثاری است که علامه مجلسی به زبان فارسی نگاشته است، ایشان پس از ترجمه هر فراز، به شرح و تبیین آن فراز پرداخته است. رساله «تحقیق در مسأله بداء» به زبان فارسی، مشتمل بر یک مقدمه و سه فایده است. علامه مجلسی در مقدمه، هدف از نگارش این اثر را وجود اختلاف چشمگیر در بین علمای عامه و خاصه مطرح کرده که منجر به تشنیع مخالفان، علیه شیعه شده است. در ادامه، پس از نقد دیدگاه‌های نادرست درباره بداء، با اشاره به لوح محفوظ و لوح محو و اثبات، بداء را مربوط به لوح محو و اثبات دانسته است. وی در ضمن سه فایده، به بررسی فواید دو لوح مذکور پرداخته است.

در «رساله جبر و تفویض»، که رساله‌ای مختصر و به زبان فارسی است، پس از تبیین دیدگاه اشاعره و معتزله، به نقد این دیدگاه‌ها پرداخته است. در ادامه با عنایت به روایات اهل بیت علیهم‌السلام، نظریه «امر بین الامرین» را تبیین کرده است.

رساله معروف به «اثبات رجعت» (ر.ک: افندی، ۱۴۳۱، ۵: ۳۹؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱: ۹۰)، مشتمل بر ۱۴ حدیث ترجمه شده، درباره وقایع آخرالزمان، علائم ظهور، چگونگی ولادت امام دوازدهم علیه‌السلام، وقایع بعد از ظهور، رجعت پیامبر و ائمه علیهم‌السلام، رجعت تمام انبیا و اوصیا و خوبان و بدان، وظیفه مردم در زمان غیبت و... است. علامه

مجلسی در ذیل روایت دوازدهم که مربوط به مسأله رجعت است به روایات متعددی درباره رجعت امام حسین علیه السلام اشاره کرده است. از نظر ایشان، روایات رجعت امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام متواتر و روایات رجعت سایر ائمه علیهم السلام نزدیک به تواتر است (رک: مجلسی، ۱۳۶۸، ۴۹-۱۲۶).

علامه مجلسی در رساله «فرق میان صفات ذاتی و صفات فعلی باری تعالی» در مقدمه، به اقسام صفات و مراد از آنها پرداخته و در ادامه دیدگاه شیخ صدوق و کلینی در باب صفات را نقل کرده است. در این رساله، مباحث مربوط به صفات، در سه فصل مطرح شده است: ۱. در بیان صفات عینی حقیقیه که چهار مسلک درباره رابطه ذات و صفات مورد بررسی قرار گرفته است؛ ۲. بررسی اینکه اراده از صفات ذات است یا از صفات فعل؛ ۳. جمع بندی و حاصل کلام شیخ صدوق و کلینی (رحمهما الله) در مسأله.

در رساله «دفع شبهه حدیث جهل و معرفت» که پیش‌تر، از آن با عنوان رساله‌ای در حدیث «سته اشیاء»، یاد شد، علامه پس از نقل حدیث، که مشتمل بر ذکر امور شش‌گانه‌ای است که بندگان در صنع آنها نقش فاعلی ندارند، می‌نویسد: «بدان که در معرفت و جهل اشکالی وارد است که موهم آن است که کفار و ارباب مذاهب باطله در کفر خود معذور باشند» (مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۴۴). ایشان در ادامه، هفت وجه در توجیه اینکه مراد حدیث چیست، بیان کرده است.

رساله «لاعتقادات» به زبان عربی، با استناد به آیات قرآن و احادیث معصومان علیهم السلام، در صد نشان دادن راه‌های نجات و سعادت انسان است. این رساله در سه مقدمه، دو باب و یک خاتمه تدوین یافته است: مباحثی که در مقدمات این رساله آمده عبارتند از: ۱. بیان انگیزه تألیف؛ ۲. نقدی بر فلاسفه؛ ۳. نقد عرفا و صوفیه به جهت اعتقاد به وحدت وجود. مباحث مربوط به باب اول به ترتیب ذیل است: خداشناسی، جبر و اختیار، قضا و قدر، وجوب ایمان به انبیائی که در قرآن ذکر شده‌اند و اقرار به عصمت ایشان، استخفاف به قرآن و کعبه و احادیث و مقدّسات از اسباب کفر ارتداد، وجوب اعتقاد به وجود ملائکه و اینکه همه یا بعضی از آنها اجسام لطیف‌اند، اعتقاد به وحدت وجود یا موجود از موجبات کفر، صفات الهی، حدوث عالم و بطلان اعتقاد به قدم ذاتی یا زمانی، در معرفت به برخی از ضروریات دین، که انکار یکی از آنها سبب کفر می‌گردد، در شأن و مقام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و عصمت و برتری آنان از همه انبیاء و مرسلین (صلوات الله علیهم) و نفی غلو درباره ی ایشان و کفر غلات، وجوب اعتقاد به جسمانی بودن معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تسلیم در برابر

احادیث مشکله و عدم تکذیب آنها، در وجوب اعتقاد به آنچه محتضر از مرگ تا قبر مشاهد می‌کند، و وجوب اعتقاد به جسمانی بودن فرشتگان، عصمت فرشتگان و داستان هاروت و ماروت و تفسیر آیات مربوطه در احادیث، فشار قبر و عالم برزخ، وجوب اعتقاد به جسمانی بودن بهشت و جهنم و اینکه هم اکنون موجودند و البته از دید ما پنهان‌اند، ایمان به رجعت، جسمانی بودن معاد به ضرورت دین اسلام، حقانیت حساب و کتاب و کاتبان اعمال و شفاعت و صراط و میزان و جاودانگی کافران در آتش جهنم و سایر احوال قیامت. باب دوم کتاب به رهنمودهای عملی و تاکید بر تبعیت از اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته و در ادامه کیفیت عمل انسان از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در خاتمه رساله نیز وصایای مؤلف ذکر شده است.

کتاب «حق‌الیقین»، آخرین تصنیف علامه مجلسی است که به زبان فارسی، در ۶ باب و ۱ خاتمه سامان یافته است. باب اول در اقرار به وجود خداوند و صفات کمالیه او؛ باب دوم در بیان صفات سلبيه؛ باب سوم در صفات فعل؛ باب چهارم در نبوت؛ باب پنجم در امامت؛ باب ششم در اثبات معاد؛ و خاتمه کتاب در احوال عالم بعد از اتمام قیامت است.

روش علامه مجلسی در بحار الانوار، به این صورت است که ابتدا آیات مربوط هر باب را نقل کرده و در ادامه به ذکر روایات آن باب می‌پردازد. در مواردی هم مانند باب «ثواب الموحدين و العارفين»، از ابتدای باب، به نقل روایات پرداخته است. ایشان در اغلب موارد پس از ذکر روایات به شرح و بیان آنها پرداخته و دیدگاه‌های تفسیری، حدیثی، کلامی و... خود را منعکس کرده است.

روش ایشان در کتاب «مرآة العقول» که شرح روایات کافی است، به این صورت است که در ذیل هر حدیث، پس از بیان دیدگاه خود درباره اعتبار سند، بخش‌هایی از را که از نظرشان نیاز به توضیح و تبیین داشته، شرح کرده است.

علامه مجلسی در کتاب «چهل حدیث» که برخی احادیث آن مربوط به مباحث اعتقادی است، با استفاده از آیات قرآن، روایات و همچنین فرهنگ‌نامه‌ها و کتب معتبر روایی، به شرح احادیث پرداخته است. وی ذیل برخی از روایات، با طرح فصول و مقاصد متعدد، به تفصیل بحث کرده است.

۳. کارکرد علوم مختلف در روش کلامی علامه مجلسی

همان‌گونه که در معرفی شخصیت علمی علامه مجلسی بیان گردید، ایشان در علوم مختلف عقلی و نقلی تبخیر داشته و در مباحث کلامی از آنها استفاده کرده است.

۱. منطق

کاربرد منطق در علوم به‌ویژه علوم عقلی، به علم کلام اختصاص ندارد و بکارگیری آن در علم کلام نیز به متکلم خاصی اختصاص ندارد، زیرا علم منطق قواعد تفکر و استدلال درست را می‌آموزد که در هر علم و استدلال لازم است. اما دو مطلب در این باره درخور توجه است و ممکن است روش متکلمان درباره آن متفاوت باشد. یکی پرداختن به مباحث منطقی در خلال مباحث کلامی، و دیگری روش ویژه‌ای که در استفاده از منطق به کار برده‌اند؛ از باب مثال، آیا متکلم بیشتر از قیاس اقرانی استفاده نموده یا از قیاس استثنایی، از استقراء و تمثیل چه اندازه بهره گرفته است. استدلال‌های او مابشری است یا غیر مابشری. جایگاه برهان، جدل و خطابه در مباحث او چگونه است؟ و...، علامه مجلسی نیز در مباحث کلامی خود، از این دانش و اصطلاحات متداول آن استفاده کرده است، وی در تعریف گزاره‌های کلامی مانند: اوصاف حق تعالی (ر.ک: مجلسی ۱۳۸۶، ۱: ۵-۸)، معجزه (ر.ک: همان، ۲۰)، امام (ر.ک: همان، ۳۵-۳۶)، رجعت (ر.ک: همان، ۲: ۳۳۵) و معاد (ر.ک: همان، ۳۶۹)، از قوانین منطق تصورات استفاده کرده است و از اصطلاحاتی چون؛ جنس و فصل در نفی ترکیب از ذات (ر.ک: همان، ۱: ۱۱)، مفهوم کلی و جزئی در تبیین احاطه علم الهی در توضیح قبلیت اسلام بر ایمان (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۴: ۱۵۲؛ همان، ۱۴۰۴، ۲: ۲۷۴)، مفهوم و مصداق در تبیین اسماء خداوند و معانی آنها (ر.ک: همان، ۱۴۰۴، ۱: ۳۰۵)، عام و خاص مطلق در نسبت اسلام و ایمان (همان، ۲: ۲۷۴) بهره جسته است.

معمولاً استدلال‌های کلامی مرحوم مجلسی، با چینش منطقی قضایا؛ به نحو قیاس استثنائی و اقرانی، و به صورت صریح و آشکار نیست، هر چند نسبت به قواعد منطق به لحاظ ماده و صورت توجه داشته است، با این حال در مواردی نیز به طور آشکار از قیاس منطقی بهره برده است. وی در تبیین روایتی درباره ضرورت وجود امام بعد از نبی، به صورت قیاس استثنائی چنین می‌نویسد: «اگر بعد از نبی، کسی نباشد که نسبت به آیات قرآن آگاهی کامل داشته و آنها را به درستی تفسیر کند، بطلان حکم آیات و رفع تکلیف لازم خواهد آمد، زیرا تکلیف غافل و جاهل با وجود عدم قدرت بر علم، قبیح است. اما بطلان تالی به خاطر وجود اجماع و ضرورت دین، واضح است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳: ۴-۵).

علامه مجلسی در تحلیل روایت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، خطاب به یونس بن عبدالرحمن که فرمودند: «ای یونس از بدعت گذاران نباش! کسی که به رأی خود عمل کند هلاک گردد، کسی که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را رها کند گمراه شود و کسی که قرآن و گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله را ترک کند کافر گردد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۵۶) در قالب قیاس شکل اول می‌نویسد:

«اگر کسی نظر به رأی داشته باشد، اهل بیت علیهم السلام را ترک کرده است، کسی که ایشان را ترک کند گمراه گردد؛ بنابراین کسی که نظر به رأی خود داشته باشد گمراه گردد. قیاس دیگر که به جهت ظهورش بیان نشده، عبارت است از اینکه: کسی که اهل بیت نبی صلی الله علیه و آله را ترک کند، کتاب خدا و قول نبی را ترک کرده است - به جهت دلالت آن دو بر امامت اهل بیت نبی و وجود اطاعت و اخذ علوم از ایشان - و کسی که کتاب و قول نبی را ترک کند کافر است؛ پس ترک کننده اهل بیت نبی، کافر است. از دو قیاس مذکور قیاس سومی تشکیل می‌گردد که نتیجه آن عبارت است از این که: کسی که نظر به رأی خود داشته باشد کافر است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱: ۱۹۵).

ایشان به طور غیر صریح از قیاس استثنائی متصله (برهان خلف)، قیاس استثنائی شرطیه منفصله و... در استدلال‌های خود استفاده کرده است (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۱: ۳؛ همان، ۵-۶؛ همان، ۱۱).

مرحوم علامه در تبیین برخی از گزاره‌های کلامی از صناعات خمس نیز بهره برده است؛ به عنوان نمونه، درباره قیاس ابلیس، مبنی بر اینکه خلقت او از آتش است و خلقت انسان از گِل است، چنین نگاه‌شده است: «در ماده این قیاس مغالطه صورت گرفته است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱: ۱۹۹)، سپس به تحلیل آن پرداخته است. استفاده از اصطلاح جدل و تبیین آن در کلام امام صادق علیه السلام، در مناظره با ابن ابی العوجا (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴، ۱: ۲۵۲)، حکم به بطلان تعدد آل‌هه، علاوه بر دلیل بر اجماع، با استفاده از استقراء و قیام برهان (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۹: ۱۲۹)، و دیگر موارد.

۲. معرفت‌شناسی

در گذشته مباحث معرفت‌شناسی به صورت علم مجزا و مدون مطرح نبود، اما در عین حال علما به مناسبت، به مباحثی از معرفت‌شناسی؛ مانند امکان معرفت، ابزارهای شناخت و راه‌های معرفت پرداخته‌اند. مباحث معرفت‌شناسی دو گونه عام و خاص دارد: معرفت‌شناسی عام، مباحث عام و کلان معرفت‌شناسی را بررسی می‌کند و خاص آن، بسته به مضاف الیه‌اش متفاوت است، در اینجا مراد از معرفت‌شناسی

خاص، معرفت دینی است. علامه مجلسی، به مناسبت، به مباحثی از معرفت شناسی عام و خاص، پرداخته است. از جمله مباحث وی در معرفت شناسی عام عبارتند از:

۱-۲. طرح مباحثی درباره عقل، که پایه معرفت و شناخت انسان را تشکیل می‌دهد (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴، ۱: ۲۴-۹۷)؛ از جمله، بیان شش معنای اصطلاحی برای عقل که عبارتند از: ۱. قوه ادراک خیر و شر، توانایی بر معرفت اشیاء از طریق شناخت اسباب آن‌ها؛ ۲. ملکه و حالتی در نفس که انسان را به سوی خیرات و منافع دعوت کرده و از امور شر و مضر بر حذر می‌دارد؛ ۳. قوه‌ای که مردم در نظام امور معاش خود به کار می‌برند؛ ۴. مراتب استعداد نفس؛ ۵. نفس ناطقه انسانی که موجب تمایز انسان از بهائم است؛ ۶. دیدگاه فلاسفه که معتقدند عقل، موجود مجرد قدیمی است که ذاتا و فعلا تعلق به ماده ندارد (ر.ک: همان، ۲۵-۲۷).

۲-۲. ذو مراتب بودن معرفت و عدم امکان کسب معرفت برهانی، برای برخی از افراد - که قادر بر تشخیص کامل بین حق و باطل نیستند- (ر.ک: همان، ۳۳)، نیازمندی معرفت به عقل (همان: ۵۸).

۲-۳. تقسیم معرفت به بدیهی و نظری و بازگشت معرفت نظری به بدیهی (ر.ک، همان، ۱۱: ۲۴۰-۲۴۱).

۲-۴. معرفت فطری و بررسی متعلق و نحوه شکل‌گیری آن (ر.ک: مجلسی، ۱۳۶۸، ۴۴-۴۷؛ همان، ۱۴۰۴، ۲: ۲۲۱) و فطری دانستن معرفت به وجود صانع (ر.ک: همان، ۱۳۸۶، ۱: ۴؛ همان، ۱۴۰۴، ۲: ۲۲۳)، معرفت به رضا و سخط الهی، سزاواری نصب رسول جهت اعلام مصالح و مفاسد انسان‌ها (ر.ک: همان).
در ادامه به مبانی علامه مجلسی در معرفت شناسی خاص (معرفت دینی) می‌پردازیم:

۱. حجیت عقل بدیهی: وی معتقد به حجیت عقلی بدیهی است؛ اعم از مستقلات عقلیه، بدیهیات اولیه عقل نظری و استنتاجات عقلی، که مبتنی بر مقدمات بدیهی‌اند (ر.ک: ملکی میانجی، ۱۳۸۵، ۷۲). ایشان بعد از اقامه دومین دلیل بر اثبات صانع می‌نویسد: «مقدمات ما بدیهی‌اند یا اگر نظری‌اند، دلایل آنها واضح است؛ به حیثیتی که راه خطا در آنها نیست و این دلیل در نهایت متانت است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۱: ۴). در موارد متعددی، پس از ذکر یک مسأله اعتقادی، وجود ادله عقلیه در مسأله و همچنین موافقت یا عدم موافقت با ادله عقلیه و اصول قطعی را یاد آورد شده است (ر.ک: مجلسی، همان، ۱: ۱ و ۱۵ و ۱۸ و ۲۱؛ همان، ۲: ۶۲۹ و ۶۳۳).

۲. حجیت عقل برهانی غیر فلسفی: مرحوم مجلسی، امور نظری اعتقادی را به اعتبار منبع استنباط، سه قسم دانسته است: محکّمات قرآن، سنت متواتر و قیاس عقلی و برهانی غیر قابل انکار، که مورد پذیرش همه عقول بوده و اذعان به حقایق آن دارند - در اصول نه در شرایع و احکام - (ر.ک: مجلسی ۱۴۰۳، ۲: ۲۳۹). از این رو ایشان معتقد است فضائل، معجزات و کرامات نقل شده درباره اهل بیت علیهم‌السلام را نباید رد و انکار کرد مگر اینکه مخالف ضروری دین، محکّمات قرآن، سنت متواتر و براهین قطعی عقلیه باشد (ر.ک: همان، ۲۵: ۳۴۷). مطلب مذکور نیز، گویای حجیت عقل برهانی در امور نظری اعتقادی در نزد ایشان است (ر.ک: عظیمی، ۱۴۰۰، ۱۵۳-۱۵۴).
۳. عقلی دانستن حسن و قبح: وی همسو با مذهب امامیه، حسن و قبح را عقلی دانسته (ر.ک: مجلسی ۱۳۸۶، ۱: ۱۵) و از آن به عنوان قاعده‌ای عقلی در مباحث کلامی بهره جسته است؛ به عنوان نمونه، وی در صفات فعلی حق تعالی، چنین بیان کرده است: «صانع عالم فعل قبیح نمی‌کند و محال است که از او صادر شود، زیرا که فاعل قبیح یا عالم به قبح آن فعل نیست، یا هست اما قادر بر ترک آن نیست، یا محتاج است به آن فعل قبیح و قادر بر ترک آن هست، و یا احتیاج به آن ندارد اما به عبث آن فعل را می‌کند. بنابر اول، جهل خدا لازم می‌آید و بنابر دوم، عجز و بنابر سوم، احتیاج و بنابر چهارم، سفاهت، و هر چهار بر حق سبحانه و تعالی محال است؛ پس قبیح از او صادر نتواند شد» (همان، ۱۶؛ ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۶: ۱۰؛ ۱۲: ۱۳۸ و ۱۳۹).
۴. قاعده لطف: ایشان لطف را عقلاً بر خداوند واجب دانسته است (ر.ک: مجلسی ۱۳۸۶، ۱: ۱۸) و با بهره‌گیری از این قاعده، به اثبات برخی از مسائل اعتقادی؛ مانند ضرورت بعثت و وجوب امامت پرداخته است (همان، ۳۶).
۵. تأویل: مرحوم مجلسی اصل اولیه در فهم آیات و روایات را اصالة الظهور دانسته و تأویل در آن‌ها را روا نمی‌داند، مگر وقتی که دلیل نقلی، مخالف با عقل بدیهی باشد (ر.ک: مجلسی ۱۴۰۳، ۲۷: ۲۷۸)، یا دلیل نقلی معتبر بر آن وجود داشته باشد (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۲: ۳۵۲). بر این اساس، ظواهر آیات و روایات ناسازگار با عقل را تأویل برده است؛ مانند آیات و روایات موهّم زمان و مکان و حرکت داشتن خدا (ر.ک: همان، ۱۴۰۳، ۳: ۳۰۹)، ظواهر آیات و روایات ناسازگار با عصمت پیامبران (ر.ک: همان، ۱۳۸۶، ۱: ۱۹) و دیگر موارد (ر.ک: همان، ۱۴۰۳، ۴: ۱-۶۰؛ همان، ۱۲۲؛ همان، ۷۹: ۱۷۷؛ همان، ۱۴۰۴، ۱۰: ۳۹۰. نیز ر.ک: عظیمی، غفوری نژاد، ۱۳۹۵: ۳۴-۳۶).

۶. حجت دانستن ظواهر آیات و روایات معتبر و تمسک به ظواهر آن‌ها در مباحث کلامی: برای نمونه، وی در دفاع از فطری و بدیهی بودن وجود خداوند تعالی، به آیه ﴿أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (ابراهیم: ۱۰)، استناد کرده است (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۱: ۴)، درباره قدرت بر خلق و فاعل مختار بودن باری تعالی در آفرینش، از آیه ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (یس: ۸۲) استفاده است (ر.ک: همان، ۵)، در تبیین وصف علم الهی، از قرآن کریم نیز بهره‌مند شده است (ر.ک: همان، ۶).

۳. فلسفه

اگر چه برای علامه مجلسی سابقه تحصیل و تدریس در فلسفه نقل شده است (ر.ک: تنکابنی، ۱۳۸۳، ۲۵۶ و ۲۶۰-۲۶۱)، در عین حال، وی از مخالفان و منتقدان این علم، در روزگار خود به شمار می‌آید (جهت آشنایی بیشتر با دیدگاه وی در باب فلسفه، ر.ک: طارمی، «علامه مجلسی»، ۱۳۷۵، ۲۰۴-۲۱۸). از منظر وی، فلاسفه بیش از اندازه، تکیه بر عقل داشته و در تطبیق مسائل فلسفی بر گزاره‌های دینی، دچار تکلف شده‌اند (ر.ک: مجلسی ۱۴۰۳، ۱: ۱۰۳) و همچنین بعضی از دیدگاه‌های فلسفی، مستلزم انکار برخی از ضروریات دین است (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۲: ۴۶۶ و ۵۴۶). از نظر ایشان، بنا بر روایات فراوان، امامان علیهم‌السلام، واسطه‌هایی بین خداوند و مردم در رساندن فیض هستند و دانش را باید از آنان فرا گرفت در حالی که راه عقلي صرف، ما را به مقصود نمی‌رساند (ر.ک: مجلسی ۱۴۰۳، ۱: ۱۰۳؛ همان، ۲-۳).
 با این حال، مرحوم مجلسی در تبیین برخی از مباحث کلامی، از مفاهیم و تحلیل‌های فلسفی - که در نظر وی مخالف با آیات و روایات نیست - استفاده کرده است:

۱-۳. بهره‌گیری از برهان فلسفی امکان و وجوب، در اثبات وجود خداوند (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۱: ۳).

۲-۳. استفاده از مفهوم واجب الوجود در اثبات وصف قدم و ازلیت الهی (ر.ک: همان: ۵).

۳-۳. به کار بردن اصطلاح فلسفی ماهیات ممکنه در نفی اتحاد و حلول از ذات (ر.ک: همان: ۱۴).

۴-۳. استفاده از وصف مجرد در اثبات علم باری تعالی: «[خداوند] مجرد است و نسبت مجرد به همه چیز مساوی است» (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۱: ۶).

۳-۵. بهره‌گیری از تحلیل‌های فلسفی، در شرح برخی از فرازهای روایات؛ مانند علت فاعلی دانستن خداوند در افاضه علوم به بشر (ر.ک: مجلسی ۱۴۰۴، ۲: ۲۲۲) و تبیین جسم مثالی در عالم برزخ (ر.ک: همان، ۱۴: ۲۲۴).

۳-۶. ذکر برخی از دیدگاه‌های صدرالمتألهین در شرح روایات و قبول آن‌ها؛ مانند تبیین مراد از «ماء» در فراز «إِنَّ اللَّهَ خَمَلَ دِينَهُ وَ عَلَّمَ الْمَاءَ» (ر.ک: همان، ۲: ۸۴) و تحلیل ضرورت وجود انبیاء (ر.ک: همان، ۲۵۸-۲۵۹).

۴. علوم طبیعی

مقصود از عقلی بودن علوم طبیعی، بهره‌گیری آنها از عقل تجربی است نه عقل تجربیدی که در ریاضیات، منطق و فلسفه به کار می‌رود. علامه مجلسی در طبیعیات صاحب اثر است از جمله: «اختیارات الأیام» و «حساب الأهله» در علم نجوم و همچنین کتاب «السماء و العالم» که زیر مجموعه کتاب بحار است.^۱ کتاب اخیر، کتابی مفصل و بر محور مطالبی درباره آسمان و زمین است که از آیات و روایات معصومان علیهم‌السلام و گفتارها و تفاسیر دانشمندان علوم مختلف استفاده شده است.

روش علامه در این کتاب به این صورت است که در هر موضوعی، ابتدا آیات و روایات مرتبط با موضوع را نقل کرده و سپس به شرح آن می‌پردازد و هر جا نیاز بوده، مباحثی تحت عنوان «فوائد سودمند» آورده است که اشاره به برخی اطلاعات تخصصی و عمومی و تحقیقات در علوم تجربی دارد. ایشان در ادامه، به برخی از اقوال در موضوع بحث اشاره کرده و سپس به بررسی و نقد آن پرداخته و در پایان، دیدگاه برگزیده را ذکر کرده است.

علامه مجلسی، با عنایت به طبیعیات و مصنوعات الهی، وجود خدا را تردید ناپذیر دانسته و می‌نویسد: خداوند از همه چیز هویداتر است؛ هر کس که در خلقت آسمان، زمین، آفتاب، ماه، ستارگان، بادهای ابرها، باران‌ها، دریاها، کوه‌ها، حیوانات، خلقت بدن و روح خود و شگفتی‌های آفرینش که در هر یک از آنها بکار برده تأمل کند، از روی یقین خواهد دانست که آنها، بدون آفریننده نبوده و آفریدگارشان، مثل آنها نیست؛ کامل بالذات است، هیچ‌گونه نقص در ذات و صفات او نیست، این دلیل اجمالی، برای اکثر مردم کفایت می‌کند (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۱: ۳). وی در اثبات علم باری تعالی، از مطالعه و تفکر در طبیعیات نیز بهره گرفته و چنین نگاشته است:

۱. در نسخه جدید چاپ شده -چاپ بیروت-، ۱۰ جلد از مجلدات بحار؛ یعنی جلد ۵۴ تا ۶۳ به این کتاب اختصاص یافته است. این کتاب مشتمل بر ۲۰۶ باب و با در نظر گرفتن ارجاعات، در بر دارنده ۵۶۴۸ حدیث از ۱۴۷ منبع روایی است.

هر کس در شگفتی‌های آفرینش؛ چون آسمان، زمین، خورشید، ماه، ستارگان و حرکات مختلف آنها که بر اساس قانون حکمت است و نیز در تربیت جمادات، نباتات و رسانیدن هر یک آنها به حد کمال، تشریح بدن انسان، حیوان و ترکیب اعضای آنها بر یکدیگر، آلات، ادوات تغذیه و رشد، ادراکات حواس پنج‌گانه ظاهری و باطنی که چندین هزار سال حکما در آنها فکر کرده‌اند و کتاب‌ها در هر باب نوشته‌اند و به عسری از اعشار آنها پی نبرده‌اند شامل کند، به عین الیقین می‌داند که بر چنین خداوندی هیچ امری مخفی نیست (ر.ک: همان: ۶-۷).

ایشان در کتاب «السماء و العالم» با رویکرد مذکور، به شرح آیات و روایات پرداخته و در مواردی به حل تعارضات و پاسخ شبهات پرداخته است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۵: ۱۲۱-۱۲۲؛ ر.ک: همان، ۱۴۰۳، ۵۷: ۲-۳).

از منظر علامه مجلسی، علوم طبیعی؛ مانند علم نجوم، تا زمانی که مخالف با آیات قرآن و روایات نباشند می‌توان از آنها بهره برد، در غیر این صورت قابل اعتماد نخواهند بود؛ چرا که نتیجه علوم تجربی، از جمله علم نجوم و هیئت، برهانی نبوده و بر سبیل احتمال است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۵: ۳۱۰).

۵. اصول فقه^۱

با توجه به اینکه کتاب و سنت، یکی از منابع مهم معرفتی در مسائل اعتقادی است و از طرفی، برای فهم مدالیل و مفاهیم آیات و روایات، به قواعد اصول فقه، در مباحث الفاظ نیاز است، آگاهی از این قواعد برای متکلمان ضرورت دارد. علامه مجلسی، در موارد متعددی از مباحث اعتقادی، از قواعد علم اصول بهره گرفته است که در ذیل به مواردی اشاره می‌گردد:

یکی از مباحث الفاظ در علم اصول، مبحث نص و ظاهر است؛ علامه مجلسی در موارد متعددی به نص یا ظاهر تمسک کرده و تأویلات مخالف با آنها را نادرست شمرده است؛ وی معتقد است تأویل ظواهر به صرف استبعاد، دور از سبیل رشاد بوده و جز در موارد ضرورت، نباید از ظواهر دست کشید (ر.ک: مجلسی ۱۴۰۳، ۷: ۱۲۹)، ایمان به بهشت و دوزخ، آن‌گونه که در آیات و روایات توصیف شده‌اند را از ضروریات دین دانسته و منکر آن دو، یا تأویل‌کننده آنها را کافر شمرده است (ر.ک: همان، ۱۴۰۳، ۸: ۲۰۵)، درباره سوال قبر از مکلفان، علاوه بر قواعد عدلیه، به ظواهر نصوص استدلال کرده است (ر.ک: همان، ۶: ۲۷۸)، وی با تأکید بر این که آیات قرآن، نص در معاد

۱. اکثر مباحث و قواعد علم اصول فقه، مبتنی بر سیره عقلا و فهم عرفی و عقلایی است. از این رو می‌توان اصول فقه را در زمره علوم عقلی قرار داد. البته مقصود از عقل -چنان که اشاره شد- عقل عرفی است نه عقل فلسفی یا تجربی.

جسمانی هستند؛ تأویل آن آیات را نامعقول شمرده است (رک: همان، ۷: ۴۷)، در اثبات افضلیت پیامبر ﷺ بر سایر انبیا (صلوات الله علیهم)، به نص قرآن و روایات متواتر تمسک کرده است (رک: همان، ۱۳۸۶، ۱: ۳۴)، همچنین در اثبات امامت امیرالمؤمنین ﷺ در غدیر و امامت امام حسن ﷺ و سایر امامان ﷺ، به نص روایات استدلال کرده است (رک: همان، ۱: ۱۰۸ و ۲۸۳).

از دیگر مسائل علم اصول، در بحث الفاظ، عام و خاص، مطلق و مقید است که مرحوم مجلسی در مباحث گوناگون اعتقادی بدانها تمسک کرده است؛ برای مثال، ایشان در رد قول معتزله که برای خود کافر و غیر کافر، به آیاتی چون: ﴿وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا﴾ (جن: ۲۳)، ﴿بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (بقره: ۸۱) و... استدلال کرده است. وی با تمسک به ادله مخصّص؛ تائب، اصحاب صغائر، مرتکب کبائر غیر منصوصه - که بعد از ارتکاب گناه، طاعاتی آورده که ثواب آن، عقوبات گناه را از بین می‌برد - را از تحت عمومیت آیات خلود خارج کرده و خلود در آیات را حمل بر کفار کرده است (۱۴۰۳، رک: مجلسی، ۸: ۳۷۲). ایشان در استدلال به این که مقصود از مولی در کلام پیامبر ﷺ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَيْ مَوْلَاةٍ»، اولی به تصرف است، از اطلاق جمله قبل: «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ؟» (حمیری، ۱۴۱۳، ۴۳۱)، استفاده کرده است (رک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۱: ۱۱۲).

علامه مجلسی در برخی از مباحث اعتقادی، از مفهوم حصر استفاده کرده است؛ از جمله در استدلال به آیه تطهیر (رک: مجلسی ۱۳۸۶، ۱: ۶۳-۶۵) و همچنین در اینکه کلام رسول خدا ﷺ وحی است یا بازگشت به وحی دارد به حصر در آیه: ﴿وَمَا يَنْطَلِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾^۱ (نجم: ۴ و ۵) استدلال کرده است. ایشان در اثبات افضلیت امیرالمؤمنین ﷺ در آیه ولایت^۲ نیز از مفهوم حصر بهره گرفته است. اجماع یکی دیگر از مسائل علم اصول است که مرحوم مجلسی در مباحث اعتقادی آن را حجت دانسته و بدان تمسک کرده است؛ به عنوان نمونه وی درباره کفر و خلود در عذاب منکر امیرالمؤمنین ﷺ و کسی که وارد جنگ با او شده است، به اجماع امامیه تمسک کرده است (رک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۲: ۵۱۹)، در نفی تناسخ نیز علاوه بر ضرورت دین، از اجماع مسلمین استفاده کرده است (رک: همان، ۴۱۳).

۱. از روی هوس سخن نمی‌گوید بلکه سخنی جز وحی نیست.

۲. مانده: ۵۵

مرحوم مجلسی در مواردی که تحصیل یقین ممکن نیست - اعم از اصول و فروع - ظنّ معتبر را حجت دانسته است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴، ۱: ۱۰۰). یکی از مباحث مطرح در علم اصول اجتهاد و تقلید است که علامه، در باب اصول دین نیز، حکم به جواز آن دو کرده است (ر.ک: همان).

ب) علوم نقلی

۱. ادبیات

علامه مجلسی، در ضمن مباحث کلامی خود، به مناسبت، به مباحث ادبی؛ چون بررسی معانی واژگان، بررسی ساختار کلمات از منظر علم صرف و همچنین نقش کلمات به لحاظ نحوی، و در مواردی به مباحث معانی و بیان پرداخته است.

۱-۱. علم لغت

از آنجا که فهم صحیح یک گزاره اعتقادی و گریز از دام شبهات و مغالطات، در گرو تبیین دقیق معنای مقصود از موضوع، محمول، مقدم و تالی است؛ علامه مجلسی در موارد فراوانی از مباحث کلام نقلی، با استفاده از لغت، به تبیین معنای صحیح گزاره اعتقادی مورد نظر پرداخته است. در ادامه به نمونه‌هایی اشاره می‌گردد: وی پس از بیان معنای لغوی «بداء»، آن معنا را درباره حق تعالی روا ندانسته و با بهره‌گیری از روایات معصومان علیهم‌السلام، معنای صحیح آن را بیان کرده است (ر.ک: مجلسی، ۱۳۶۸، ۲۴-۲۷)، علامه در نقد اینکه مراد از «ارث بردن» حضرت یحیی از حضرت زکریا، علم و نبوت باشد وجوهی مطرح کرده است که اولین وجه آن تمسک به معنای ارث در لغت است که انصراف به ارث مال دارد (ر.ک: مجلسی ۱۳۸۶، ۱: ۲۰۷)، وی با استفاده از لغت، «صدیق» که از اوصاف امیرالمؤمنین است را به معصوم تفسیر کرده است؛ زیرا صدیق کسی است که دائم التصدیق بوده و با کردارش، گفتارش را تصدیق می‌کند (ر.ک: همان: ۶۰)، با استفاده از لغت، «وجه» در آیه: ﴿وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (قصص: ۸۸) را به معنای جهت گرفته و در این که مراد از جهت در این جا چیست وجوهی بیان کرده است (ر.ک: مجلسی ۱۴۰۳، ۴: ۶)، ایشان، واژه «جنب» در آیه: ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّآخِرِينَ﴾ (زمر: ۵۶) راه، با استفاده از لغت، به طاعت معنا کرده است (ر.ک: همان: ۹).

۱-۲. صرف و نحو

علامه مجلسی، در مواردی، با بهره‌گیری از ساختار واژه‌ها و جملات، به تبیین و استدلال در مباحث اعتقادی پرداخته است که نمونه‌هایی را باز می‌گوییم:

۱. با استفاده از ساختار صرفی واژه «دع» در آیه مباحثه، بر افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام استدلال کرده است (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۱: ۷۰)؛

۲. در استدلال به آیه تطهیر، بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و اینکه آیه شامل زنان پیامبر صلوات الله علیهم نیست، وجهی بیان کرده است که تغییر ضمیر مونث به مذکر در آیه، از آن جمله است (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۱: ۶۵)؛

۳. در شرح روایات اعتقادی، به تبیین و تحلیل ساختار صرفی برخی از واژه‌ها پرداخته است، واژه‌هایی چون: «مستدرک»، «صبت» (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۳: ۲۷)، «صفا»، «قلال» (ر.ک: همان: ۲۸)، «أقتار» (ر.ک: همان: ۵۵)، «حوز» (ر.ک: همان: ۵۷) و دیگر موارد؛

۴. بررسی ساختار نحوی حدیث «خلقت عقل» و بیان احتمالات (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۱: ۱۰۵)؛

۵. بیان احتمالات مختلف در ترکیب «حِکْمَةٌ بِالْعَقَّة» در ضمن حدیث (ر.ک: مجلسی ۱۴۰۳، ۳: ۱۱۱)؛

۶. بررسی و ترکیب برخی از جملات، در شرح توحید مفضل (ر.ک: مجلسی، همان: ۱۹۷)؛

۷. بهره‌گیری از علم نحو در شرح روایات باب نفی زمان، مکان، حرکت و انتقال از ساحت باری تعالی (ر.ک: همان، ۳۲۷) و موارد فراوان دیگر.

۳-۱. علم بلاغت

علم بلاغت و شاخه‌های آن، با هدف رساندن مقصود متکلم به مخاطب، در بهترین قالب و رساترین شیوه ممکن شکل گرفته است. توجه به این علم در فهم معنای مقصود آیات و روایات نقش بسزایی دارد. از این رو علامه مجلسی در شرح و تبیین گزاره‌های کلامی چون دیگر مباحثش، نسبت به این علم توجه داشته و در تبیین و تحلیل معنای مراد، از اصطلاحات و مباحث آن استفاده کرده است که نمونه‌هایی را بازگو می‌کنیم.

وی، فصاحت و بلاغت اعجاز آمیز قرآن راه، از جمله دلایل اثبات نبوت پیامبر اکرم صلوات الله علیهم برشمرده است (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۱: ۲۲-۲۳) و نیز از جمله وجوه افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام را، فصاحت و بلاغت حضرت شمرده و بلکه او را امام فصحا و سید بلغاء دانسته است (ر.ک: همان: ۱۴۲)، در موارد متعددی از اطلاق و تقیید (ر.ک:

همان، ۱۲۳؛ همان، ۱۴۰۳، ۴: ۲۶؛ همان، ۱۳: ۳۱۵؛ همان، ۶: ۱۳۸)، حقیقت و مجاز (ر.ک: مجلسی ۱۳۸۶، ۱: ۷۰-۷۱ و ۷۳؛ همان، ۲: ۴۳۰؛ همان، ۳: ۲۲۷)، تشبیه (ر.ک: مجلسی ۱۴۰۳، ۱: ۱۰۸؛ همان، ۴: ۱۰ و ۲۲ و ۳۵ و ۸۴)، کنایه (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۲: ۵۴۶؛ همان، ۱۴۰۳، ۳: ۲۷ و ۱۱۹ و ۱۹۷ و ۲۲۷)، مبالغه (ر.ک: همان ۱۳۸۶، ۲: ۳۴۹؛ همان، ۱۴۰۳، ۴: ۵ و ۲۵۳ و ۲۸۶) و دیگر مباحث علوم بلاغی، در شرح آیات و روایات اعتقادی، بهره برده است.

۲. حدیث شناسی

علامه مجلسی متبحر در علم حدیث، صاحب تألیفات سترگ در این علم و مؤلف کتاب «الوجیزه» در علم رجال است. وی در مباحث کلامی مرتبط با نقل، از مباحث و اصطلاحات علم الحدیث استفاده کرده و درجه اعتبار احادیث را مشخص و به بررسی محتوایی پرداخته است. رویکرد علامه در آثار شرحی خود بر روایات؛ مانند مرآة العقول، بررسی سندی و دلالی است اما در بحارالانوار، عمدتاً به شرح روایات پرداخته و درباره سند، اظهار نظر نکرده است. از این رو در بررسی سندی و دلالی احادیث کافی، از اصطلاحات علم رجال و درایه بهره گرفته است؛ وی در شرح روایات اعتقادی کتاب کافی - همانند سایر روایات کتاب- ابتدا به بررسی سند روایات پرداخته و با اصطلاحاتی چون: صحیح، کالصحیح، موثق کالصحیح، موثق، حسن، ضعیف، ضعیف علی المشهور، مرفوع، مرسل، مرسل موقوف، مجهول، مجهول کالصحیح، مجهول کالموثق؛ اعتبار روایات را بر اساس مبانی خود در علم الحدیث، مورد اشاره قرار داده و در ادامه به شرح و تبیین آنها پرداخته است؛ به عنوان نمونه مرحوم مجلسی در کتاب التوحید، حدیث دوم «باب الصفات»، را صحیح دانسته و حدیث سوم باب را حسن به شمار آورده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴، ۲: ۱۱)، در «باب النهی عن الجسم و الصورة»، حدیث اول را موثق، حدیث دوم و سوم را ضعیف و حدیث چهارم و پنجم را به ترتیب مرسل و مرفوع بیان کرده است (ر.ک: همان، ۱-۳)، در مواردی به سقط، تصحیف، تحریف و ارسال در حدیث اشاره و نکاتی ذکر کرده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴، ۳: ۱۴۸؛ همان، ۵: ۲۷۹)، گاهی در ذیل بررسی سند، نکاتی را مطرح کرده است؛ به عنوان نمونه، ایشان با اشاره به دیدگاه مشهور درباره محمد بن سنان، همسو با برخی دیگر از علماء، محمد بن سنان را معتبر دانسته است (ر.ک: مجلسی ۱۴۰۴، ۱: ۱۰۶؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ۱: ۱۸۲)، و در جایی می‌نویسد: رجالیون گمان کرده‌اند مراد از یعقوب بن اسحاق، ابن سکیت است در حالی که ابن سکیت در زمان امام هادی علیه السلام به دستور متوکل کشته شد لذا امام عسکری علیه السلام را ملاقات نکرده است تا از ایشان نقل

روایت کند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴، ۱: ۳۲۷)، درباره «محمد بن علی قاسانی» می‌نویسد: وی ضعیف است، اما احتمال دارد «علی بن محمد» باشد که تصحیف صورت گرفته است، علی بن محمد از اصحاب امام هادی علیه السلام بود (ر.ک: همان، ۳۵۱). از منظر علامه مجلسی، خبر متواتر اعتقادی یقین آور بوده و التزام به مضمون آن ضروری است؛ از این رو، ایشان به تناسب مباحث کلامی، از اخبار متواتر بهره برده است؛ مانند نفی زیادت صفات بر ذات (ر.ک: مجلسی ۱۳۶۸، ۱۵) تبیین معنای صحیح بداء (ر.ک: همان، ۲۴)، اثبات امامت امیرالمؤمنین علیه السلام (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۱: ۹۴-۹۵؛ همان، ۱۱۵-۱۱۸)، اثبات افضلیت آن حضرت (ر.ک: همان، ۱۴۲)، حوض کوثر، وسیله بودن اهل بیت (علیهم السلام)، شفاعت آنان در قیامت (ر.ک: همان، ۲: ۴۴۵)، سوال قبر (ر.ک: همان، ۳۹۲) و موارد دیگر.

از دیدگاه مرحوم مجلسی، ظنون معتبر در نزد عقلاء، بسان علم بوده و عقلا فراوان به آن عمل می‌کنند، از این رو، وی خبر واحد اطمینان آوری که معارض نداشته باشد را در عقاید حجت دانسته و در مباحث کلامی خود از آن بهره گرفته است (ر.ک: مجلسی ۱۴۰۳، ۲: ۲۴۵؛ همان، ۱۱: ۲۴۵)؛ مانند اوصاف بهشت (ر.ک: مجلسی ۱۳۶۸، ۱۳۰-۱۳۱)، اوصاف جهنم (ر.ک: همان، ۱۶۳-۱۶۴).

۳. تاریخ

گزارش‌های تاریخی در برخی از مسائل کلامی، راهگشا و تعیین کننده است؛ از باب مثال درباره پیشینه دین‌دراي بشر و اعتقاد به وجود آفریدگار، در باب نبوت خاصه (شیوه‌های احتجاج پیامبران با مردم، معجزات پیامبران) و در مسأله امامت، گزارش‌های تاریخی آموزنده و راهگشاست؛ متکلمان اسلامی از این گزارش‌ها استفاده کرده‌اند. علامه مجلسی، دارای تألیفات در تاریخ انبیا و ائمه علیهم السلام و صاحب نظر در این رشته علمی بوده و در برخی از مسائل کلامی، از نقل‌های تاریخی بهره برده است که نمونه‌هایی را گزارش می‌کنیم.

۱. در باب اختصاص محبت امیرالمؤمنین علیه السلام به حضرت حق و رسولش، علاوه بر نقل روایات، از نقل‌های تاریخی استفاده کرده است (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۱: ۱۲۱-۱۲۲)؛

۲. درباره نامه معاویه به امیرالمؤمنین علیه السلام و بیعت اکراهی حضرت با ابوبکر، علاوه بر نقل محدثان، از گزارش‌های مورخان بهره برده است (ر.ک: همان: ۱۳۷)؛

۳. درباره عدم صلاحیت ابوبکر در تصدی خلافت - به ادعان خود خلیفه اول - علاوه بر روایات اهل سنت، به گزارش‌های تاریخی تمسک کرده است (ر.ک: همان، ۲۱۶)؛

۴. درباره اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام اولین کسی بود که اسلام و ایمان آورد، از گزارشات تاریخی نیز بهره برده است (ر.ک: همان، ۱۱۶)؛

۵. با استفاده از گزارشات تاریخی درباره تعیین جانشین و خلیفه، توسط رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در غزوات، سفرهای کوتاه و نیز نصب حاکم در بلاد مختلف، این سوال را مطرح کرده است که چگونه ممکن است با وجود اهتمام پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم در تعیین جانشین، در سفر بی بازگشت خود، امر امت را مهمل و معطل بگذارد؟ (ر.ک: همان، ۳۷).

جایگاه عقل و نقل در روش کلامی علامه مجلسی

عقل، در اصطلاح متکلمان اسلامی در دو معنا به کار رفته است: ۱. قوه‌ای برای نفس انسان، که به کمک آن، امکان تمییز حق از باطل، دریافت علوم و ادراکات فراهم می‌گردد (ر.ک: آمدی ۱۴۲۳، ۱: ۳۲۶؛ تفتازانی ۱۴۰۷، ۲۰؛ حمود ۱۴۲۱، ۱: ۳۹ و ۹۱؛ ربانی گلیپایگانی، ۱۳۹۹، ۳۶)، ۲. علومی که هرگاه در مکلف حاصل گردد، می‌تواند با استفاده از آن‌ها به تفکر، استدلال و انجام تکلیف دینی بپردازد (ر.ک: قاضی عبد الجبار، بی‌تا، ۱۱: ۳۷۵؛ طوسی، ۱۳۶۲، ۱۶۹؛ ربانی گلیپایگانی، همان). معنای مورد نظر در این بحث، معنای اول است که عبارت است از قوه شناخت و تجزیه و تحلیل مسائل.

دستاوردهای معرفتی عقل یکسان نیست، گاهی یقینی است و گاهی ظنی؛ معرفت یقینی هم گاهی یقین بالمعنی الاخص بوده که هیچ احتمال خلافی در آن راه ندارد و گاهی یقین بالمعنی الاعم است که احتمال خلاف در آن به صفر نمی‌رسد اما عقل متعارف بشری بدان اعتنا نمی‌کند. تفکر عقلی در مفاهیم و مبادی تصویری، به مشاهده حسی ظاهری و باطنی وابسته است ولی در حوزه احکام و تصدیقات - اعم از بدیهیات و نظریات - مستقل و خود بنیان است (ر.ک: ربانی گلیپایگانی، همان، ۳۷-۳۸).

۱. «اقیلونی فلسف بخرکم و علی فیکم؛ دست از خلافت و بیعت من بردارید من بهترین شما نیستم در حالی که علی در میان شما است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۲۱۶: ۲۱۶؛ ر.ک: (امینی ۱۴۱۶، ۵: ۵۸۲).

مسائل علم کلام از حیث عقلی یا نقلی بودن، به سه دسته تقسیم می‌گردند: دسته اول؛ مسائلی است که اثبات نقل و حیانی بر آنها متوقف است؛ مانند اثبات وجود خداوند، علم، قدرت و حکمت خداوند. دسته دوم؛ مسائلی است که جز از طریق نقل و حیانی، قابل اثبات نیست؛ مانند تفصیل مربوط به عالم معاد و دسته سوم؛ مسائلی است که از دو طریق عقل و نقل می‌توان بر آنها استدلال کرد؛ مانند اثبات یگانگی خداوند. استناد به عقل یا نقل، در این دسته از مسائل می‌تواند بیانگر جایگاه عقل یا نقل در روش کلامی متکلم باشد. هرگاه رویکرد او در این مسائل صرفاً بهره‌گیری از تفکر عقلی باشد، روش کلامی او عقلی است و اگر بهره‌گیری از نقل باشد روش کلامی او نقلی است و اگر به تناسب هر مسأله از هر دو بهره بگیرد روش کلامی او ترکیبی و تلفیقی (عقلی-نقلی) است. علامه مجلسی، در مسائلی که نقل و حیانی بر عقل متوقف است و بدون اثبات عقلی آن دسته مسائل، نقل و حیانی قابل اثبات نیست از عقل بهره گرفته است؛ مانند اثبات وجود خدا، اوصاف الهی؛ چون علم و قدرت و... (ر.ک: مجلسی، ۱۳۶۸، ۱۲: همان، ۱۳۸۶، ۱: ۳-۶)، ضرورت نبوت (ر.ک: همان، ۱۸).

درباره مسائلی چون تفصیل معاد که تنها راه اثبات آن‌ها نقل و حیانی است از نقل بهره گرفته و در این باره می‌نویسد: «بدان که آنچه در قرآن مجید و احادیث معتبره وارد شده است در وصف قیامت و مقدمات آن و خصوصیات و اوصاف آن و آنچه بعد از آن احوال خلق به آن منتهی می‌شود؛ باید همه را اذعان کرد و راه تأویل در آنها را نباید گشود، زیرا که اعظم اسباب الحاد و تضلیل، فتح باب ایراد و تأویل است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۲: ۳۶۸). از این رو در مباحث مربوط به سوال قبر، برزخ، بقای روح، علائم قیامت، حشر حیوانات، میزان، حساب، صراط، اعراف، معاد جسمانی، وجود بهشت و جهنم، جسمانی بودن بهشت و جهنم، نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های جهنم و... به روش نقلی عمل کرده است (ر.ک: همان، ۳۶۸-۵۳۴).

مرحوم مجلسی، در اثبات اموری که هم از عقل می‌توان بهره گرفت و هم از نقل، در مواردی تنها از استدلال‌های عقلی بهره گرفته است و در مواردی هم پس از تقدیم عقل، از نقل استفاده کرده است؛ به عنوان نمونه، در اثبات قدیم بودن و نفی حدوث از ذات الهی (ر.ک: همان، ۱: ۵-۶)، سمیع و بصیر، مرید بودن (ر.ک: همان، ۷)، وصف تکلم و حدوث آن (ر.ک: همان، ۸)، صدق (ر.ک: همان، ۸-۹)، نفی ترکیب از ذات و اثبات بساطت (ر.ک: همان، ۱۱-۱۲)، نفی محل حادث بودن حق تعالی (ر.ک: همان، ۱۲-۱۳)، نفی اتحاد و حلول (ر.ک: همان، ۱۴)، نفی استحاله صدور قبیح از خداوند (ر.ک: همان، ۱۵)، تنها از عقل بهره جسته است. وی در اثبات عینیت ذات و صفت

پس از استدلال عقلی، از نقل^۱ نیز استفاده کرده است (ر.ک: همان، ۹)، در نفی شریک، پس از اشاره به اخبار انبیاء مبنی بر یگانگی خداوند، به استدلال عقلی پرداخته است.

وی درباره یگانگی خداوند می‌نویسد: خداوند یکتاست است و شریکی ندارد؛ نه در خداوندی و نه در خلق اشیاء و نه در استحقاق عبادت و پرستش، این مطلب به اخبار همه انبیاء و ضرورت جمیع ادیان حقه ثابت شده است و به بدهت عقل معلوم است که نظام عالم، وجود و انتظام احوال آن، بدون وحدت الهی ممکن نیست؛ چرا که تعدد دو کدخدا در یک خانه، دو حاکم در شهری و دو پادشاه در مملکتی باعث اختلال اوضاع آنها می‌گردد، پس چگونه ممکن است آسمان‌ها و زمین و کارخانهٔ ایجاد، با این وسعت، با دو خدا انتظام یابد؟ با اندک تأملی معلوم می‌شود که جمیع عالم به اعتبار ارتباط آن به اجزاء یکدیگر، به منزلهٔ یک شخص است و همچنان که عقل جایز نمی‌داند که دو نفس متعلق به یک بدن باشند، تجویز نمی‌کند که دو اله مدبر عالم باشند. در ادامه مرحوم مجلسی متذکر می‌شود که با توجه به مطالب مذکور، یکتایی صانع مانند وجودش بدیهی و فطری است (ر.ک: همان، ۱۰).

در اثبات ضرورت امامت، به استدلال‌های عقلی پرداخته و در ادامه به آیاتی از قرآن کریم، درباره نصب امام از سوی خداوند، مانند آیه اکمال^۲ - اشاره کرده است (ر.ک: همان، ۳۶-۳۹).

رویکرد وی در نفی رؤیت (ر.ک: همان، ۱۲) و حل مسأله جبر و تفویض، مسأله بقاء (ر.ک: مجلسی ۱۳۶۸، ۲۳-۳۴ و ۳۶-۴۱) نقلی است.

با توجه به عملکرد علامه مجلسی در مواجهه با آن دسته از مسائل کلامی که از دو طریق عقل و نقل، می‌توان بر آنها استدلال کرد، از هر دو روش عقلی - نقلی، بهره گرفته است؛ در مواردی تنها به استدلال عقلی اکتفا کرده است، گاهی پس از تقدیم عقل، از نقل نیز بهره جسته است و در مواردی نیز تنها به روش نقلی عمل کرده و در ادامه به بدهت عقلی مسأله مورد بحث اشاره کرده است. بنابراین، می‌توان گفت روش کلامی وی، ترکیبی - تلفیقی (عقلی و نقلی) است.

۱. ایشان می‌نویسد: «حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است «من وصفه فقد قرنه و من قرنه فقد ثناه و من ثناه فقد جزاه و من جزاه فقد جهله» یعنی هر که وصف کند خدا را بصفات زائده پس بتحقیق که مقارن گردانیده او را با صفات دهر و هر که وصف کرد خدای را با صفات دهر پس اعتقاد کرده بدو خدای و یا دوئی در ذات خدا قائل شده و هر که این اعتقاد کرد خدا را صاحب جزها دانست و هر که این اعتقاد دارد خدا را نشناخته است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۹: ۱).

۲. ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (مانده: ۳).

۴. شیوه مواجهه علامه مجلسی با فرق و آراء کلامی

علامه مجلسی، نسبت به عقاید ادیان، مانند یهود و نصاری، آراء فلاسفه، مفسران، محدثان، متکلمان و فرقه‌های کلامی آگاهی داشته و به مناسبت‌های مختلف به نقل یا نقد آراء آنها پرداخته است که توجه به دیدگاه‌های فلاسفه، متکلمان امامیه، معتزله و اشاعره، در آثار کلامی وی جایگاه ویژه‌ای دارد.

رابطه ذات و صفات را، از منظر برخی از متکلمان امامیه؛ مانند شیخ صدوق، شیخ کلینی، اشاعره، معتزله و برخی دیگر از متکلمان - بدون ذکر نام- مطرح و نقد کرده و در انتها دیدگاه خود را بیان داشته است (ر.ک: مجلسی، ۱۳۶۸، ۱۵-۱۹).

در مسأله بدها به دیدگاه اهل سنت و یهود اشاره و نقد کرده است (ر.ک: مجلسی، ۱۳۶۸، ۲۴-۲۵) وی درباره اثر شفاعت در قیامت، به دیدگاه خوارج و عقیده معتزله اشاره کرده و دیدگاه صحیح در مسأله -دیدگاه امامیه- را تشریح کرده است (ر.ک: مجلسی ۱۳۸۶، ۲: ۴۵۵).

مرحوم مجلسی در تبیین حقیقت ایمان، به دیدگاه فرق گوناگون؛ مانند اشاعره، معتزله، خوارج و برخی از متکلمان امامیه پرداخته و پس از بررسی و نقد، به جمع‌بندی پرداخته است (ر.ک: مجلسی ۱۳۸۶، کتاب ۲، ۵۳۴-۵۳۸)، در جبر و اختیار نیز ابتدا قول اشاعره و معتزله را نقل و نقد کرده و در ادامه دیدگاه امامیه را بر اساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام تبیین کرده است (ر.ک: مجلسی، ۱۳۶۸، ۳۷-۴۲)، درباره اینکه پذیرش توبه عباد، بنابر وعده الهی، عقلاً بر خدا واجب است و یا از باب تفضل؛ به دیدگاه معتزله، شیخ طوسی، شیخ طبرسی، علامه حلی که از طرفداران قول اول هستند اشاره و اشاعره را از معتقدان به قول دوم دانسته است و خواجه نصیرالدین طوسی را از متوقف‌کنندگان در مسأله ذکر کرده است، در پایان دیدگاه خود را - نظریه تفضل- بیان کرده است (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۲: ۶۲۱).

مواجهه علامه مجلسی با آراء و دیدگاه‌های کلامی گوناگون، عالمانه و با رعایت احترام است. از این رو پس از نقل دیدگاه یا عقیده مورد انتقاد، با رعایت انصاف و ادب به بررسی و نقد پرداخته است، با این حال مواجهه ایشان با منکران معاد -ملاحده-، فلاسفه، صوفیه و غالیان که ظواهر آیات و روایات مربوط به بهشت و جهنم را تأویل برده‌اند، مواجهه تند و صریحی است (مجلسی، ۱۳۸۶، ۲: ۴۶۶)، مواجهه وی با صوفیه نیز قاطعانه و بدور از مماشات بوده به طوری که آنان را اهل بدعت دانسته و از هم نشینی با ایشان بر حذر داشته است (ر.ک: همان، ۱: ۱۴ و ۶۰۷).

مرحوم مجلسی نسبت به عقاید انحرافی و سرایت آن به جامعه، بسیار حساس بود؛ بیش از یک ماه از شیخ الاسلامی وی نگذشته بود که خبر رسید در یکی از محله‌های اصفهان عده‌ای از هندوها به پرستش بت اشتغال دارند وی دستور برخورد قاطعانه و شکستن بت‌های آنان را صادر نموده و بساط بت پرستی را جمع کرد (ر.ک: مجلسی ۱۴۰۳، ۱۰۲: ۲۰).

علامه مجلسی در پاسخ به شبهات و رد دیدگاه‌های مخالف، از روش‌های گوناگونی بهره برده است:

أ) در مواردی مبانی خصم را مورد نقد قرار است؛ مانند نقد تفسیر رجعت، به بازگشت دولت به امر و نهی، در حالی که رجعت در منظر امامیه، بازگشت اشخاص است نه تفسیر مذکور (ر.ک: مجلسی ۱۴۳۰، ۲: ۱۶۹)، نقد مبانی مخالفان معاد جسمانی (ر.ک: مجلسی ۱۴۰۴، ۲۶، ۳۹۴-۳۹۵؛ همان، ۱۳۸۶، ۲: ۳۸۱-۳۸۲)، نقد به کار بردن معنای لغوی بداء درباره خداوند توسط اهل سنت (ر.ک: مجلسی ۱۳۶۸، ۲۴)، نقد شبهه اهل سنت مبنی بر ناسازگاری قاعده لطف و غیبت امام علیه السلام با رد انحصار لطف بودن امامت و حکومت ظاهری (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۱: ۲۱۵)، از دیگر موارد نقد بر اساس مبانی مخالفان است؛

ب) گاهی مواجهه وی با دیدگاه مخالف، به روش حلی یا نقضی و یا هر دو است، به عنوان مثال در پاسخ به شبهات عصمت انبیا به روش حلی (ر.ک: مجلسی ۱۴۳۰، ۱: ۱۹۱) و در پاسخ به شبهات اهل سنت درباره آیه ولایت به روش حلی و نقضی عمل کرده است (ر.ک: مجلسی ۱۳۸۶، ۱: ۵۰-۵۲)، در پاسخ به غیبت امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه) نیز از روش نقضی و بیان غیبت انبیا و اولیای الهی در گذشته بهره جسته است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۱: ۲۱۵)؛

ج) در مواردی با رد لوازم باطل یک دیدگاه، آن را نقد کرده است؛ مانند رد ارجاع صفات ثبوتیه به صفات سلبیه بخاطر لازمه باطل آن - تعطیل - (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴، ۲: ۱۰)؛

د) در پاسخ به برخی از شبهات از روش تمثیل و تشبیه بهره گرفته است؛ مانند رد شبهه تغییر علم الهی به جهت تغییر در لوح محو و اثبات، با استفاده از تمثیل؛ « به عنوان مثال در لوح محو و اثبات، عمر زید ۵۰ سال نوشته می‌شود؛ معنای آن این است که مقتضای حکمت این است که عمر او به این مقدار باشد تا زمانی که مقتضی طول عمر بیشتر یا کمتر از ۵۰ سال را انجام نداده باشد. بنابراین از باب مثال، اگر صله

رحم کند عمرش ۶۰ سال و اگر قطع رحم کند عمرش ۴۰ سال می‌گردد» (مجلسی، ۱۴۳۰، ۱: ۱۳۰)؛

هـ) بهره‌گیری از تعارض موجود در دیدگاه‌های مخالف؛ مانند ناسازگاری‌های موجود در دیدگاه فخر رازی درباره آیه صادقین^۱ (ر.ک: مجلسی ۱۴۰۳، ۲۴: ۳۳-۳۷؛ همان، ۱۴۳۰، ۱: ۱۵۱) و اشاعره درباره درخواست رؤیت حق تعالی از حضرت موسی (سلام الله علیه) (ر.ک: مجلسی ۱۴۰۳، ۴: ۵۰)؛

و) استفاده از جدل و مقبولات خصم در نقد ایشان؛ مانند استفاده از دیدگاه تعیین‌جانشین از طرف انبیاء گذشته و پیامبر اکرم^ﷺ در زمان سفر و غزوات که مورد قبول اهل سنت است، با هدف به چالش کشیدن نظریه انتخاب و اثبات دیدگاه انتصاب (مجلسی ۱۳۸۶، ۱: ۳۷)؛

ز) بهره‌گیری از منابع کلامی، حدیثی و تفسیری مورد قبول مخالفان جهت نقد و رد ایشان؛ مانند نقل حدیث دوات و قلم در طعن بر خلیفه دوم (ر.ک: همان، ۲۲۰)، اشاره به بدعت‌گذاری خلیفه دوم در تحریم عمره و متعه با وجود احادیث جواز آنها در منابع اهل سنت (ر.ک: همان، ۲۳۱)، رد بدعت نماز تراویح با توجه به روایت عایشه در صحیح بخاری، صحیح مسلم و جامع الاصول مبنی بر اینکه رسول خدا^ﷺ در شب‌های ماه رمضان، بیش از ۱۱ رکعت - ۸ رکعت نماز شب، ۲ رکعت شفع و ۱ رکعت وتر- و بنابر روایتی، ۱۳ رکعت - با احتساب نافله صبح- نماز مستحبی دیگری بجا نمی‌آوردند (ر.ک: همان، ۲۳۹).

ح) گاهی در مواجهه با دیدگاه مخالف - که دلیلی بر آن اقامه نشده است- به روش مطالبه دلیل عمل کرده است؛ مانند مطالبه دلیل از قائلان به استحاله اعاده معدوم که به بداهت آن اکتفا کرده‌اند (ر.ک: همان، ۱۴۰۴، ۲۶: ۳۹۵)؛

ط) گاهی در رد خصم، از روش اکثار ادله بهره‌جسته است؛ مانند رد فخر رازی با اقامه ادله متعدد (ر.ک: همان، ۱۴۳۰، ۱: ۲۳۲)؛

ی) در مواردی نیز با طرح سؤالاتی، خصم را به چالش کشیده است؛ مانند طرح سؤالاتی درباره جانشینی پیامبر اکرم^ﷺ (ر.ک: همان، ۱۳۸۶، ۱: ۳۷)؛

ک) گاهی با طرح احتمالات مطرح شده از ناحیه مخالفان در یک مسأله، آنها را رد کرده و احتمال صحیح را به اثبات رسانده است؛ به عنوان نمونه، وی با بررسی و رد

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (توبه: ۱۱۹).

احتمالات گوناگون درباره واژه «مولى» در حدیث غدیر، به اثبات معنای صحیح آن پرداخته است (ر.ک: همان، ۱۴۰۴، ۳: ۲۱۷-۲۳۰).

از جمله شخصیت‌هایی که علامه مجلسی در مباحث اعتقادی به دیدگاه‌های ایشان توجه داشته است عبارتند از: ابوعلی جبائی، ابوهاشم جبائی، قاضی عبدالجبار معتزلی (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۲: ۵۳۵)، نظام، جعفر بن مبشر، ابوهزیل (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۱: ۹۰-۹۱)، سیوطی، فخر رازی، زمخشری، بیضاوی، ابن الطبع، واحدی، سمعانی، بیهقی، نظری و... (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۱: ۵۱)، شیخ صدوق، کلینی (ر.ک: مجلسی، ۱۳۶۸، ۱۳-۱۴)، شیخ مفید (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶، ۱: ۱۲۳)، محقق طوسی (ر.ک: همان، ۱۳۸۶، ۲: ۳۸۰)، سید مرتضی (ر.ک: همان، ۵۱۹)، خواجه نصیر الدین طوسی (ر.ک: همان، ۵۴۲)، علامه حلی (ر.ک: همان، ۶۱۰)، ابن سینا، فارابی (ر.ک: همان، ۸: ۳۲۷)، محیی الدین عربی (همان، ۴۲۸)، صدر المتألهین (ر.ک: مجلسی ۱۴۰۳، ۴: ۲۵۱) و دیگران.

نتیجه‌گیری

بررسی آثار و اندیشه‌های علامه مجلسی حاکی از این است که ایشان نسبت به مسایل اعتقادی، دفاع عالمانه از عقاید حقه تشیع، حفظ تراث اهل بیت علیهم‌السلام و در دسترس قرار دادن معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام، اهتمام ویژه‌ای داشته است و با توجه به زمان شناسی و رصد شبهات و مسایل روزگار خود، به تبیین عقاید شیعه و پاسخ‌گویی و دفع شبهات پرداخته است.

روش کلامی وی، عقلی-نقلی است. علاوه بر بهره‌گیری از تفکر عقلی در اعتقادات پیشا وحیانی و استفاده از نقل در اعتقاداتی مانند تفاسیل معاد که از دسترس عقل بیرون است، در آن دسته از اعتقاداتی که از طریق عقل و نقل می‌توان بر آنها استدلال کرد، به نحو بایسته و متناسب با ویژگی مسایل، از تفکر عقلی و نقل وحیانی بهره گرفته است. اگرچه در مجموع، رویکرد نقلی در روش کلامی وی غالب است اما استفاده از تفکر عقلی نیز در روش کلامی ایشان جایگاهی بایسته و شایسته دارد. البته، تفکر عقلی مورد استناد و اعتماد وی، تفکر عقلی غیر فلسفی است که متکلمان برجسته‌ای؛ مانند شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و سدید الدین حمصی نمایندگان شاخص آن بودند.

ایشان به دلیل جایگاه برجسته علمی و اجتماعی و توانمندی در علوم عقلی و نقلی، تألیفات فاخر و ارزشمندی در حوزه معارف اسلامی، تقدیم جامعه اسلامی کرده و موجب تحکیم، تثبیت و ترویج معارف اهل بیت علیهم‌السلام که اسلام اصیل به شمار می‌رود، گردید.

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه.
۳. افندی، عبد الله بن عیسی بیگ، ۱۴۳۱، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، لبنان - بیروت، مؤسسة التاريخ العربي.
۴. امین، محسن، ۱۴۰۳، *أعیان الشیعة*، حسن امین، لبنان - بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۵. امینی، عبدالحسین، ۱۴۱۶، *الغدیر فی الكتاب و السنة و الأدب*، قم، مرکز الغدیر للدراسات الإسلامية.
۶. آزاد کشمیری، محمدعلی بن محمدصادق، ۱۳۸۷، *نجوم السماء فی تراجم العلماء*، هاشم محدث، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۷. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، بی تا، *الدریعة إلى تصانیف الشیعة*، احمد بن محمد حسینی، بیروت، دار الأضواء.
۸. آمدی، علی بن محمد، ۱۴۲۳، *أبکار الأفكار فی أصول الدین*، احمد محمد مهدی، قاهره، دار الکتب و الوثائق القومية.
۹. تفتازانی، مسعود بن عمر، ۱۴۰۷، *شرح العقائد النسفیة*، احمد حجازی سقا، قاهره، مكتبة الکلیات الأزهریة.
۱۰. تنکابنی، محمد بن سلیمان، ۱۳۸۳، *قصص العلماء*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، بی تا، *تعلیقة أمل الآمل*، عبدالله بن عیسی بیگ افندی و احمد حسینی اشکوری، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.
۱۲. حکیم، حسن عیسی، ۱۴۲۷، *المفصل فی تاریخ النجف الأشرف*، قم، المكتبة الحیدریة.
۱۳. حمود، محمد جمیل، ۱۴۲۱، *الفوائد البهیة فی شرح عقائد الإمامیة*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۴. حمیری، عبد الله بن جعفر، بی تا، *قرب الإسناد* (ط. الحدیثة)، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۱۵. خوانساری، محمد باقر بن زین العابدین، ۱۳۹۰، *روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات*، اسدالله اسماعیلیان، قم، دهقانی (اسماعیلیان).
۱۶. ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۹۹، *روش شناسی علم کلام*، قم، راند.
۱۷. رفاعی، عبد الجبار، بی تا، معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت علیهم السلام، تهران - ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۱۸. سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۴۲۴، *معجم طبقات المتکلمین*، قم، موسسه امام صادق علیه السلام.

۱۹. سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۴۱۸، موسوعة طبقات الفقهاء، گروه علمی، قم، مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
۲۰. طارمی، حسن، ۱۳۷۵، *علامه مجلسی*، بی جا، قیام.
۲۱. عظیمی، محمد، ۱۴۰۰، *راز پنهان: روش شناسی کلامی علامه مجلسی*، قم، ادیان.
۲۲. قاضی عبد الجبار، بن احمد، بی تا، *المغنی فی أبواب التوحید و العدل*، بی جا، بی نا.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، *الکافی* (اسلامیه)، محمد آخوندی و علی اکبر غفاری، دار الکتب الإسلامية.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۶۸، *مجموعه رسائل اعتقادی*، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۸۶، *حق الیقین*، تهران، اسلامیه.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربي، مؤسسة التاريخ العربي.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، علی آخوندی، محسن حسینی امینی، جعفر حسینی، هاشم رسولی، و مرتضی عسکری، دار الکتب الإسلامية.
۲۸. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۶، *ملاد الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار*، مهدی رجایی و محمود مرعشی، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۳۰، *الاربعون حدیثا*، قم، مکتبه فدک لاحیاء التراث.
۳۰. ملکی میانجی، علی، ۱۳۸۵، *علامه مجلسی، اخباری یا اصولی؟*، قم، دلیل ما.